

## همسوئی امنیتی چین و روسیه در رویارویی با تهدیدات ایالات متحده

میشم زکی زاده<sup>۱</sup>  
علیرضا موسوی زاده\*  
مهدی ذاکریان امیری<sup>۳</sup>  
بهزاد شاهنده<sup>۴</sup>

### چکیده

پایان جنگ سرد نقطه عطفی در سیاست بین‌الملل بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ساختار دو قطبی نظام بین‌المللی را در هم شکست و مسیر را برای ایالات متحده آمریکا هموار کرد که تنها ابرقدرت باقی مانده در جهان باشد. در این میان روابط جمهوری خلق چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان و فدراسیون روسیه به عنوان میراث‌دار ابرقدرت شرق واجد اهمیت خاصی است. چین و روسیه روابط پر فراز و نشیبی را در طول تاریخ خود از سرگذرانده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به حمایت‌های اتحاد جماهیر شوروی از حکومت کمونیستی جمهوری خلق چین در دهه ۱۹۵۰ میلادی و تیره‌گی روابط در اواخر این دهه و دهه ۱۹۶۰ میلادی و سردی روابط در دو دهه پس از آن یاد کرد. هرچند «گورباچف» اقداماتی را برای نزدیکی با چین در سال ۱۹۸۹ میلادی آغاز کرد، اما این فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد بود که نقطه عطفی در تعاملات و همکاری‌های دو کشور رقم زد. پس از پایان غرب‌گرایی اولیه در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در سال ۱۹۹۳ میلادی و غالب شدن رویکرد اورآسیاگرایی بر سیاست خارجی این کشور، به تدریج روسیه همکاری‌های خود را با همسایه قدیمی، چین گسترش داد. در طول قریب به سه دهه از آن زمان، ما شاهد تقویت همکاری‌های فیمابین و گسترش حوزه‌های همکاری به بخش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بودیم. در ابتدا پایان دادن به اختلافات مرزهای مشترک در دستور کار دو کشور قرار گرفت و سپس همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نهایتاً امنیتی و نظامی در پیش گرفته شد. با نظاره روند افزایشی همکاری‌ها از حوزه‌های سیاست ملایم به حوزه سیاست سخت، ما شاهد شکل‌گیری نوعی همسوئی امنیتی بین دو کشور چین و روسیه در نظام بین‌الملل هستیم. پرسش اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای آن‌ها است، «علت اصلی شکل‌گیری همسوئی امنیتی بین چین و روسیه

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* contact@moussavizadeh.com

۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۴. استاد مدعو گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۱۶۰-۱۲۵

طی سال‌های ۱۹۹۳ لغایت ۲۰۱۹ میلادی» است که با بهره بردن از نظریه موازنه تهدید «استفن والت» نهایتاً این پاسخ ارائه می‌شود که «تهدیدات امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه چین و روسیه علت اصلی شکل‌گیری همسوئی امنیتی بین این دو کشور بوده است». از طرفی نیز پیامدهای همسوئی امنیتی چین و روسیه برای ایالات متحده آمریکا نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انجام این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** چین، روسیه، ایالات متحده آمریکا، تهدیدات امنیتی، همسوئی امنیتی

### ۱. مقدمه

در جهانی که همه چیز به سرعت در حال دگرگونی است، قدرت‌های نوظهور و ائتلاف‌های جدید در حال شکل گرفتن هستند که تأثیر جدی بر مناسبات قدرت و تعاملات قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل برجای می‌گذارند. پایان جنگ سرد نقطه عطفی در سیاست بین‌الملل بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ساختار دو قطبی نظام بین‌المللی را در هم شکست و مسیر را برای ایالات متحده آمریکا هموار کرد که تنها ابرقدرت باقی مانده در جهان باشد. از سال ۱۹۹۱ میلادی سه قدرت بزرگ جهانی تغییراتی را در وضعیت خود تجربه کرده‌اند. روسیه، عمیقاً درگیر دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی خود بود و از قدرت بین‌المللی‌اش کاسته شد. چین، در مدرن‌سازی اقتصادی و نظامی خود موفق بوده و به عنوان قدرت در حال ظهور در نظام بین‌الملل درآمده است و ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت جهانی باقی مانده که رقیب خود را از دست داده است.

از زمان پایان جنگ سرد، پیشرفت روابط سیاسی و اقتصادی بین مسکو و پکن بر بسیاری از موضوعات امنیتی و سیاسی بین‌المللی تأثیر گذاشته است. چین و روسیه همکاری‌های دوجانبه سیاسی و اقتصادی خود را گسترش داده‌اند. بعلاوه پکن و مسکو سیاست‌های بعضاً یکسانی را در طیف وسیعی از موضوعات دنبال کردند. پس از تجربه فراز و نشیب‌های بسیار در روابط چین و روسیه، این دو کشور از میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی به تدریج همکاری‌های خود را گسترش داده تا به مشارکت استراتژیک نائل شدند. در دو دهه گذشته روسیه و چین مشارکت استراتژیک منحصر به فردی را توسعه دادند که بر پایه تعمیق روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی و انتقاد از غرب بنیان نهاده شده

است. به عنوان مثال قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری گازی که بین دو کشور به امضاء رسید یکی از ستون‌های همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور بود.

زمینه دیگر در همکاری‌های دو کشور می‌توان به مشارکت آن‌ها برای ایجاد تعدادی از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس و یا سیکا اشاره کرد. علاوه بر این، آن‌ها در تعدادی از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری کردند از جمله، گفتگوهای شش جانبه، و تو کردن قطعنامه مداخله در سوریه، عدم نظامی سازی فضا، مخالفت با تحریم‌ها علیه ایران و ... برخلاف دوران جنگ سرد هر دو کشور دیگر ترسی از شروع جنگ و درگیری بین خود ندارند. برای مثال، دو کشور مرزهای مشترک خود را تعیین حدود کردند. چین و روسیه شرکای انرژی طبیعی یکدیگر هستند. تقاضای چین برای انرژی در حال افزایش است و ذخایر نفت و گاز روسیه بسیار نزدیک‌تر از سایر منابع انرژی (آفریقا و خلیج فارس) به چین است.

برای چین روابط با روسیه تضمین کننده عقبه ژئوپلیتیکی پایدار و جریانی از منابع، از انرژی گرفته تا فناوری نظامی محسوب می‌شود. برای بیش از یک دهه صادرات تسلیحاتی روسیه به چین یکی از وجوه مهم روابط امنیتی دو کشور را تشکیل می‌داد. شرکت‌های تسلیحاتی روسی عایدات فراوانی از این صادرات بدست آوردند که کمک مهمی به صنعت نظامی روسیه بود. مقامات بلندپایه دو طرف خود را بهترین دوستان یکدیگر معرفی می‌کنند. آن‌ها چنان صحبت می‌کنند که گویی هدف و سمت و سوی مشترکی با یکدیگر از آینده جهان در نظر دارند. در بیانیه‌های مشترکشان خواستار نظام بین‌الملل چندقطبی هستند که در آن سازمان ملل و حقوق بین‌الملل در خصوص بکارگیری احتمالی از زور تصمیم‌گیری نماید. دولت‌های چین و روسیه نگرانی‌شان را درباره تلاش‌های ایالات متحده و متحدانش برای تقویت قابلیت‌های دفاع موشکی بالیستیک ابراز داشتند. ترس واقعی آن‌ها از این است که این سیستم‌های دفاعی راهبردی، در مقایسه با قابلیت‌های قوی تهاجمی هسته‌ای آمریکایی‌ها، ممکن است ایالات متحده را قادر سازد تا به برتری هسته‌ای در برابر چین و روسیه دست پیدا کند.

1. Shanghai Cooperation Organization
- 2.v BRICS
3. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia

بطور کلی می‌توان بیان کرد که روابط چین و روسیه از سه مرحله گذشته است. مرحله اول، شکل‌گیری مشارکت بین دو کشور طی سال‌های ۱۹۹۳-۲۰۰۰؛ مرحله دوم، بلوغ دو سویه روابط طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۷ و مرحله سوم، سطوح جدید همکاری بین سال‌های ۲۰۰۸- تاکنون. حقیقتی که غالباً نادیده گرفته می‌شود این است که بسیاری از بنیان‌های روابط نزدیک بر پایه گام‌های مهمی بوده است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی برداشته شد. هرچند از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی و به ویژه پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، همکاری‌های چین و روسیه بطور قابل توجهی گسترش یافت. در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا به علت گسترش همکاری‌های چین و روسیه و شکل‌گیری نوعی همسوئی امنیتی بین آن‌ها بپردازیم. از طرفی همسوئی امنیتی چین و روسیه بدون شک پیامدها و استلزاماتی را برای ایالات متحده آمریکا برجای خواهد گذاشت، چرا که راهبردهای ایالات متحده از ابتدای تشکیل این جمهوری، بوجود آوردن و حفظ موازنه قدرت در دو اقیانوس کناری این کشور بوده است. خیزش چین و نزدیکی این کشور به روسیه موازنه قدرت در شرق آسیا و اوراسیا را به ضرر ایالات متحده برهم خواهد زد.

### ۱. چارچوب نظری

«استفن والت»<sup>۱</sup> با ارائه نظریه «موازنه تهدید»، تعدیلاتی بر نظریه موازنه قوا به عمل آورد. در نظریه موازنه تهدید تمرکز فقط بر واحدهای قدرت (مانند، نظامی، تهاجمی، توانمندی‌ها) نبوده، بلکه بر تهدیدات هم تمرکز دارد. بر اساس نظریه موازنه تهدید، رفتار دولت توسط تهدیداتی که از ناحیه دیگر کشورها و یا ائتلاف‌ها ادراک می‌کند تعیین می‌شود. والت استدلال می‌کند که دولت‌ها علیه دولت‌های دیگری که در حال افزایش قدرت خویش هستند موازنه نخواهند کرد (چنانچه نظریه موازنه قدرت پیش‌بینی می‌کند) بلکه بیشتر علیه آن دسته از کشورهایی که از ناحیه آن‌ها ادراک تهدید می‌کنند دست به موازنه می‌زنند (Walt, 1990: 25-26).

1. Stephen Walt

به منظور تمایز دولت‌های تهدید کننده از دولت‌های غیر تهدید کننده، والت چهار منبع برای تهدیدات بیان می‌کند: ۱) قدرت تجمیعی که اشاره دارد به «مجموع منابع یک دولت»، هرچه قدرت تجمیعی دولت بیشتر باشد، می‌تواند تهدید بیشتری نماید. ۲) مجاورت جغرافیایی که اشاره دارد به فاصله جغرافیایی که بین رقبای بالقوه وجود دارد؛ هر چه فاصله بیشتر باشد، توانایی قدرت‌نمایی محدود شده و تهدید بالقوه را محدودتر می‌سازد. ۳) قابلیت‌های تهاجمی که اشاره دارد به میزان «توانمندی‌های تهاجمی»، هرچه قدرت تهاجمی بیشتر باشد، دولت تهدید بیشتری می‌تواند انجام دهد. قابلیت‌های تهاجمی با قدرت تجمیعی و مجاورت جغرافیایی مرتبط است. ۴) نیت و مقاصد تجاوزکارانه ادراک شده که اشاره دارد به اینکه چگونه دولت‌ها دشمنان بالقوه خود را درک می‌کنند. دولت‌هایی که نیت تهاجمی دارند بیشتر از سایر دولت‌ها به عنوان تهدید در نظر گرفته می‌شوند (Walt, 1990: 22-25).

از دید والت آنچه دولت‌ها را وا می‌دارد تا دست به موازنه بزنند، ادراک آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرفاً افزایش قدرت یک دولت. وی بطور کلی سه نوع واکنش در مقابل تهدیدات را بررسی می‌کند:

- موازنه که ائتلاف کردن علیه قدرت تهدید کننده به منظور بازداشتن آن است.
- دنباله روی که ائتلاف کردن با مرجع خطر یا قدرت بزرگ‌تری که منبع تهدید قریب الوقوع است، خواه برای خشنود ساختن آن یا به امید سود بردن از پیروزی وی است.

• آشتی که اعطای امتیازات برابر به صورتی است که هر دو طرف سود ببرند (Walt, 1990: 25).

تعریفی که در این نوشته برای موازنه کردن بکار می‌رود، بدین صورت است که: «موازنه به عنوان راهبرد یک دولت برای مقابله با تهدید خارجی ادراک شده، توسط ابزارهای نظامی یا غیرنظامی که داخلی و یا خارجی هستند، طراحی می‌شود و هدف آن کاهش تهدید و حفظ امنیت است». مقصود موازنه کردن نیز تضعیف یک دولت یا ائتلافی که به عنوان تهدید در نظر گرفته می‌شود است.

با توجه به تعریفی که از موازنه کردن ارائه شد، قادر خواهیم بود تا دیدگاه دقیق‌تری از روش‌هایی که دولت‌های چین و روسیه دست به موازنه می‌زنند ارائه کنیم. در ابتدا به اقدامات ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه و جهان پرداخته می‌شود که روسیه و چین از آن‌ها ادراک تهدید می‌کنند.

## ۲. تهدیدات امنیتی ایالات متحده علیه چین و روسیه

امنیت ایالات متحده در طول دو سده اخیر بطور مداوم به موازنه قدرت در دو اقیانوس پهلوئی این کشور به منظور جلوگیری از قدرت یافتن کشورهای اروپایی و کشورهای شرق آسیا جهت گسترش طلبی به سمت نیمکره غربی وابسته بوده است (Ross, 2013: 20). در شرق آسیا، اگر موازنه ایالات متحده نبود، چین به هژمون منطقه‌ای تبدیل می‌شد. با نظر داشت الگوی تاریخی سیاست قدرت‌های بزرگ، وقتی که چین به توانمندی دست یابد می‌توند نظم منطقه‌ای را به چالش کشیده و در تمامی منطقه شرق آسیا تسلط هژمونیک داشته باشد. هیچ کدام از همسایگان آسیایی چین منابع لازم برای موازنه با خیزش چین را ندارند. تنزل ژاپن رو به سرعت گذاشته است و دیگر همسایگان چین نیز آنقدر کوچک هستند که نتوانند در این مسیر برای چین چالشی ایجاد نمایند. لذا از منظر آمریکایی‌ها موازنه قدرت در شرق آسیا نیازمند حضور مستقیم این کشور است (Ross, 2013: 20).

ابعاد راهبردی خیزش اقتصادی چین در گزارش‌هایی که کاخ سفید به عنوان راهبرد امنیت ملی این کشور منتشر می‌کند مشخص است. در گزارش‌های اولیه، ایالات متحده علاقه‌مند بود تا چین را به نظام اقتصادی جهانی وارد نماید، اما در گزارش ۲۰۱۷ میلادی از سرقت سایبری چین از دارایی‌های معنوی و رازهای تجاری این کشور گلایه می‌شود (National Security Strategy of United States of America, 2017: 31). دولت‌های بیل کلینتون، جرج واکر بوش و باراک اوباما همکاری ایالات متحده-چین را در موضوعات تغییرات آب و هوایی برجسته ساختند اما در سال ۲۰۱۵ اوباما به

1. Bill Clinton
2. George Walker Bush
3. Barack Obama

چین در خصوص استفاده از قدرت نظامی‌اش برای مرعوب کردن دیگران هشدار داد (Dube, 2018: 26). گزارش سال ۲۰۱۷ ترامپ گسترش دسترسی چین را برجسته ساخت با ذکر این نکته که اکنون چین به نیروی مهمی در تعدادی از مناطق از جمله آفریقا و آمریکای لاتین تبدیل شده است. موضوع تایوان نیز برای اولین بار در گزارش‌های سال ۱۹۹۱ به آن اشاره شد. نگرانی‌های حقوق بشری در دولت‌های کلینتون و بوش پسر مورد توجه قرار گرفت. گزارش ترامپ برای اولین بار بود که به پیامدهای راهبردی فعالیت‌های چین در هوش مصنوعی اشاره می‌کرد (Dube, 2018:18). ایالات متحده نیازمند حضور سیاسی و نظامی کافی در شرق آسیا به منظور موازنه با خیزش چین و بازدارندگی آن از استفاده از قدرت برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای است. حضور ایالات متحده در منطقه به قدرت‌های محلی تضمین می‌دهد که امنیت آن‌ها نیازمند همراهی با خیزش چین نیست.

متعاقب رویارویی سال ۱۹۹۶ در تنگه تایوان، دولت کلینتون با بکارگیری مجدد یک زیر دریایی در کلاس لس آنجلس از اروپا به سمت گوام شروع به تغییر جهت به سمت آسیای شرقی نمود. از آن زمان ایالات متحده تقریباً تمامی انواع سیستم‌های تسلیحاتی هوایی و دریایی خود را در آسیای شرقی بکار گرفته است. وزارت دفاع آمریکا در اوایل سال ۲۰۰۶ میلادی خواستار بکارگیری ۶۰ درصد از توان زیردریایی و شش تا از یازده ناو هواپیمابر به سمت اقیانوس آرام شد. بعلاوه در پایگاه ژاپن هواپیماهای جنگی F15s، F16s و بمبافکن‌های B-1 و B-2 مستقر کرد و جنگنده F22 را در پایگاه نظامی گوام قرار داد. همچنین هواپیماهای سوخت رسان و انبار موشک‌های هوا به زمین کروز خود را در آنجا مستقر کرد (Shirley, 2012: 2).

ایالات متحده همچنین حضور خود را در آسیای شرقی از طریق همکاری با شرکای امنیتی منطقه‌ای خود تقویت کرد. به عنوان مثال گسترش همکاری‌ها با ژاپن ادامه یافت شامل تمارین نظامی با تمرکز بر دفاع از جزایری که در کنترل ژاپن قرار دارد و مورد ادعای چین است. در سال ۲۰۰۵ میلادی سنگاپور و ایالات متحده توافق نامه چارچوبی

1. Los Angeles Class
2. Guam

راهبردی به منظور تحکیم روابط دفاعی و امنیتی و همکاری بیشتر در تمارین دریایی مشترک امضاء کردند. در دوره جرج بوش پدر، ایالات متحده همکاری دفاعی بزرگ‌تری با فیلیپین برقرار کرد که دسترسی ناوهای نظامی آمریکایی را به آب‌های فیلیپین گسترش می‌داد (Garamone, 2005: 3).

بین سال‌های ۲۰۰۱ میلادی و ۲۰۰۵ میلادی کمک‌های نظامی سالانه آمریکا به فیلیپین از ۱/۹ میلیارد دلار به تقریباً ۱۲۶ میلیارد دلار افزایش یافت. نیروی دریایی ایالات متحده همچنین دسترسی خود به بندر کلانگ مالزی در تنگه ملاکا را افزایش داد. اخیرتر هم در دوره اوباما ایالات متحده همکاری با کشور فیلیپین را با افزایش فروش تسلیحات شامل کشتی‌های گارد ساحلی و گسترش تمارین نظامی با این کشور گسترده‌تر کرد و این در حالی بود که به توافقی بر سر دسترسی نیروی دریایی ایالات متحده به پایگاه پیشین خود در خلیج سوویک دست یافتند. دولت آمریکا همچنین همکاری دفاعی با کشورهای اندونزی و نیوزلند توسعه دارد و با دولت استرالیا برای استقرار نیروی دریایی در پایگاه آموزشی در داروین توافق نمود. مدرن سازی دفاعی ایالات متحده توانایی این کشور برای بازدارندگی چین از بکارگیری نیرو به منظور چالش کشیدن نظم منطقه‌ای حفظ کرده است. هرچند ارتش آزادیبخش خلق چین بر مرزهای زمینی این کشور مسلط است، اما نیروی دریایی این کشور نسبت به نیروی دریایی ایالات متحده تا حد زیادی ضعیف‌تر است و هنوز وابسته به کشتی‌های گارد ساحلی این کشور است (Ross, 2013: 27).

به عنوان یک قدرت خارج از منطقه، ایالات متحده باید تعیین کند که با چه کشورهای آسیای شرقی بایستی مشارکت راهبردی‌اش را توسعه دهد تا این کشور را برای بکارگیری و عملیاتی کردن نیروهای پیشرو پایه و حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای توانا سازد. این تصمیم بایستی بازتاب دهنده اهمیت ژئوپلیتیک وضعیت واقعی منطقه‌ای باشد تا روابط تاریخی و یا وابستگی ایدئولوژیک. بنابراین ضروری است بازتاب دهنده ویژگی‌های ژئوپلیتیک شرق آسیا باشد.

- 
1. Port Klang
  2. Malacca Strait
  3. Subic Bay



کشورهای جزیره‌ای که سرزمین اصلی شرق آسیا را احاطه کرده‌اند از شمال شرق تا غرب که به دریای چین جنوبی می‌رسد شامل ژاپن، فیلیپین، اندونزی، سنگاپور و مالزی هستند که دارایی‌های قابل توجهی شامل منابع انرژی، تسهیلات بنادری مدرن و زیرساخت‌های پیچیده‌ای دارند که می‌تواند عملیات‌های دریایی را پشتیبانی نماید. آن سوی تر از سرزمین اصلی، استرالیا و نیوزلند قرار دارند که تسهیلات اساسی و پشتیبانی ارائه می‌نماید. این محیط ژئوپلیتیکی ایالات متحده را قادر می‌سازد تا حضور منطقه‌ای گسترده و قابل دفاعی داشته باشد که بتواند بر راه‌های دریایی شرق آسیا مسلط بوده و بنابراین با قدرت‌های سرزمینی در این منطقه مقابله نماید.

دولت‌های مختلف ایالات متحده رویکردهای بعضاً متفاوتی را با توجه به شرایط بین‌المللی نسبت به چین داشته‌اند. چرخش دولت اوباما به سمت شرق آسیا بازتاب دهنده خروج با اهمیت از تلاش پیشین ایالات متحده به منظور موازنه خیزش چین بود. درحالی‌که دولت‌های پیشین تمرکزشان بر تقویت همکاری امنیتی با دولت‌های جزیره‌ای بود، این دولت روابط با دولت‌های درون سرزمین چین ترجیحاً در هند و چین و شبه جزیره کره را در پیش گرفت (Ross, 2013: 35-36).

از سویی راهبرد امنیت ملی که دولت ترامپ در سال ۲۰۱۷ منتشر کرد حاوی تغییرات مهمی در رویکرد ایالات متحده نسبت به چین بود. راهبرد جدید نه فقط طنین مقابله‌جویانه‌تری نسبت به چین داشت بلکه تغییری منطقی بنیادینی که در پس زمینه این که چرا این کشور تهدیدی برای منافع آمریکا محسوب می‌شود به وجود آورد. سه فرض بصورت آشکار و پنهان در پس این منطقی جدید می‌توان مشاهده کرد: اول، چین الگوی اقتدارگرایانه حکومتی خود را تغییر نخواهد داد. دوم، چین در پی صادر کردن این مدل حکومتی خود به کشورهای دیگر است و سوم، راهبرد صادراتی چین شیوه زندگی آمریکایی را به چالش می‌کشد.

واشنگتن، پکن را به عنوان رقیب اصلی خود می‌انگارد که قادر است به لحاظ اقتصادی و بالقوه در زمینه فناوری بر آمریکا برتری یابد، در حالیکه مسکو را مزاحمی با جاه‌طلبی‌های بیش از اندازه می‌بیند (Trenin, 2019: 14). منازعه درباره راهبرد مواجهه با این چالش اگرچه در پیش زمینه بحث گسترده‌تری در خصوص راهبرد بزرگ ایالات

متحده و نقش و مسئولیت آمریکا در جهان مطرح می‌شود. در حقیقت گسترش ناتو و تسری دمکراسی به روسیه و دولت‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی یکی از بازنمودهای راهبرد جهانی گسترده‌تر ایالات متحده از زمان پایان جنگ سرد بوده است. از طرفی نیز روسیه با پشت سر گذاشتن سردرگمی‌های اولیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی توانسته نفوذ منطقه‌ای خود را در مناطقی از اوراسیا حفظ نماید و در برخی از وجوه از جمله نظامی با ایالات متحده هم‌اوردی نماید. راهبرد ایالات متحده برای گسترش ناتو به شرق نیز به یکی از مشکلات حاد بین دو کشور تبدیل شده است.

دو مؤلفه به عنوان مانع در شکل‌گیری روابط نزدیک بین دو کشور برجسته است، یکی عدم قبول روسیه به عنوان چیزی که هست توسط آمریکا و دیگری گسترش طراحی امنیتی یورو آتلانتیک به سمت منطقه اوراسیا که روسیه را احاطه کرده است. هنوز این دو مؤلفه سنگ بناهای دستور کاری سیاسی دولت ایالات متحده آمریکا در قبال روسیه هستند. چنانچه در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که در سال ۲۰۱۷ میلادی منتشر شد، روسیه به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات ژئوپلیتیکی برای ایالات متحده در نظر گرفته شده است ( National Security Strategy of United States of America 2017: 15).

همانطور که ذکر آن رفت حفظ توازن قدرت در دو اقیانوس کناری ایالات متحده در طول تاریخ این جمهوری همواره یکی از اصول راهبردی امنیت ملی این کشور بوده است. در سال‌های پس از جنگ سرد نیز در راستای همین رویکرد، ایالات متحده آمریکا از تسلط یافتن قدرت‌های منطقه‌ای در این مناطق جلوگیری نموده است. حضور امنیتی، نظامی و سیاسی در شرق آسیا و گسترش طلبی ناتو به شرق (اوراسیا) از مصادیق مهم این رویکرد بوده است.

در اسناد راهبردی منتشره در ایالات متحده به ویژه در سال‌های اخیر به کرات اشاراتی به چین و روسیه به عنوان رقبا و گاهاً دشمنان منطقه‌ای و جهانی ایالات متحده آمریکا شده است. در راهبردهای پیشین امنیتی- دفاعی ایالات متحده، از چین و روسیه به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و تهدیدات بالقوه در مقیاس منطقه‌ای یاد می‌شد، اما در راهبردهای منتشره در دولت ترامپ آن‌ها به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای با نفوذ جهانی و

به عنوان مهم‌ترین دشمنان آمریکا نگرینسته شده‌اند (Trenin, 2019: 31). بر خلاف موارد پیشین مهم‌ترین مشکلی که برای آمریکا در این اسناد ذکر شده است رقابت راهبردی بین دولتی است و نه تروریسم که پس از سال ۲۰۰۱ میلادی جایگاه ویژه‌ای در اسناد راهبردی ایالات متحده به خود اختصاص داده بود.

بر این اساس ایالات متحده آمریکا بر مبنای اتخاذ رویکردهای امنیتی علیه چین و روسیه که در اسناد راهبردی منتشر شده این کشور پس از جنگ سرد بازتاب یافته است<sup>۱</sup> دست به اقداماتی در جهان زد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

### الف) گسترش ناتو به سمت شرق

در پایان جنگ سرد، «میخائیل گورباچف»<sup>۲</sup> رئیس جمهور شوروی مفهوم «خانه مشترک تمام اروپایی‌ها» را مطرح کرد که به معنای کمک به مصالحه صلح‌آمیز شرق مستعد منازعه و حوزه نفوذ غرب بود. با نگاه به گذشته، و از منظر روسیه، دیدگاه گورباچف بصورت سیستماتیک تبدیل شده است به دقیقاً مخالف آن - خانه منحصر اروپای غربی با تعدادی از اعضای پیمان ورشو سابق و اتحاد شوروی که طرف خود را تغییر داده‌اند.

در سال ۱۹۹۹ میلادی، لهستان، مجارستان و جمهوری چک که از اعضای سابق پیمان ورشو بودند، به ناتو پیوستند. دومین گسترش کلان مقیاس در سال ۲۰۰۴ تعداد بیشتری از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی را شامل کشورهای اسلونی، اسلواکی، بلغارستان و رومانی<sup>۳</sup> و نیز سه کشور حوزه بالتیک استونی، لتویا و لیتوانی<sup>۴</sup> به عضویت پذیرفت. در سال ۲۰۰۹ آلبانی و کرواسی<sup>۵</sup> نیز به این ائتلاف پیوستند. علاوه بر این گسترش آتی

۱. در این بخش اسناد راهبردی منتشره توسط ایالات متحده شامل، سند راهبرد امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۷؛ سند راهبرد دفاعی ایالات متحده ۲۰۱۸؛ گزارش راهبردی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در ارتباط با منطقه هند و پاسیفیک و راهبرد اطلاعات ملی ایالات متحده ۲۰۱۹ مورد بررسی قرار گرفت.

2. Mikhail Gorbachev
3. Slovenia, Slovakia, Bulgaria, Romania
4. Estonia, Latvia, Lithuania
5. Albania, Croatia

نیز هنوز در برنامه است، قبرس و مقدونیه اعلاقمند هستند که به ناتو بپیوندند، درست مانند کشورهای چوون بوسنی و هرزگوین، مونته‌نگرو، کوزوو، گرجستان و اوکراین<sup>۲</sup>. اسناد از طبقه بندی خارج شده و مصاحبه‌ها نشان می‌داد که گسترش ناتو به سمت شرق حتی از زمان اتحاد دو آلمان، ملاحظه امنیتی جدی را متوجه اتحاد شوروی می‌کرده است. در مصاحبه سال ۲۰۰۹ گورباچف، وی اظهار داشت که: «آلمان غربی، ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها تعهد داده بودند که پس از اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۹۰، ناتو حتی یک سانتیمتر به سمت شرق حرکت نخواهد کرد.» (Gorbachev, 2009: 1).

### ب) سیستم دفاع موشکی

برنامه دفاع موشکی ملی آمریکا نیز بر روابط بین روسیه و ایالات متحده تأثیر گذاشت. در ژانویه ۱۹۹۹ میلادی، دولت آمریکا تصمیم گرفت که «سیستم دفاع موشکی ملی مؤثری» را که قادر بود از قلمرو ایالات متحده علیه حمله محدود موشک‌های بالیستیک دفاع کند را مستقر کرده و شروع به ساخت برنامه دفاع موشکی جهانی کرد. بخش‌هایی از این پروژه در آلاسکا، بریتانیا و نیز بر روی ناوشکن‌های Aegis در اقیانوس آرام و دریای مدیترانه نصب گردید (National Missile Defense, 2000: 13). بر اساس بیانیه‌های دولت ایالات متحده، این پروژه به عنوان سپر دفاعی علیه تهدیدات موشکی دولت‌های سرکش به کار می‌رود. این دیدگاه توسط نخبگان روسی به شدت مورد انتقاد واقع شد. آن‌ها معتقد بودند این برنامه تأثیر قوی بر توانایی هسته‌ای روسیه و به ویژه توانایی ضربه دوم وارد کرده و در نتیجه بر امنیت ملی روسیه تأثیر مخربی دارد. ولادیمیر بلووس، کارشناس روسی در زمینه تسلیحات ضد بالیستیک، اظهار داشت که: «پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا تهدید واقعی برای نیروهای هسته‌ای راهبردی ما است.» (Harding 2007: 2).

هر چند برنامه‌های غربی‌ها در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت تعدیل گردید، پروژه دفاع موشکی ملی، تصویر روسیه از غرب به عنوان تکبر

1. Cyprus, Macedonia  
2. Bosnia and Herzegovina, Montenegro, Kosovo, Georgia, Ukraine

هژمونیک را یک بار دیگر تقویت کرد. دولت بوش به نظر می‌آمد که مصمم است سیستم عملیاتی را برای جلوگیری کردن از موشک‌هایی که به سمت آمریکا نشانه می‌روند مستقر سازد. پس از مذاکرات بی‌سرانجام با روسیه، دولت آمریکا به صورت رسمی از معاهده ABM در ژوئن سال ۲۰۰۲ خارج شد و اجازه ساخت سیستم دفاع موشکی بالیستیک با هزینه ۱۷ میلیارد دلاری در آلاسکا در دسامبر ۲۰۰۲ را صادر کرد. آمریکایی‌ها تصمیم داشتند که در اوایل دوره دوم ریاست جمهوری بوش اولین فاز آن را عملیاتی کنند. این طرح خواستار ۱۰ رهگیر زمینی و رادارهای همراه در آلاسکا و کالیفرنیا در اولین سال عملیاتی کردن آن، ۱۰ رهگیر در آلاسکا در سال دوم و دفاع جاه‌طلبانه‌تر چند لایه بعد از آن بود (Schmitt, 2002: 2).

از دیگر اقدامات ایالات متحده آمریکا که از منظر روسیه و چین اقداماتی تهدید آمیز محسوب شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مداخله در کوزوو: برخلاف اهداف روشن روسیه، علیه صربستان صورت گرفت که یکی از متحدان روسیه بود.
- جنگ دوم عراق: اعضای جدید اتحادیه اروپا (شامل کشورهای اروپای شرقی) با ایالات متحده ائتلاف کرده و بصورت غیرقانونی با وجود مخالفت‌های روسیه، فرانسه و آلمان در این کشور مداخله نظامی کردند.
- مداخله در لیبی: مثال دیگری از مداخله نظامی غربی با استفاده از ناتو به عنوان ابزاری برای گسترش صلاحیت سازمان ملل؛
- پشتیبانی از بازیگران غربگرا در اروپای شرقی و قفقاز (مانند انقلاب رز در گرجستان و لاله در قرقیزستان)؛
- انتقاد از وضعیت حقوق بشر و سیاست قفقازی روسیه؛
- انتقاد از وضعیت حقوق بشری و سیاست‌های چین در قبال همسایگانش؛
- حضور نظامی ناوهای آمریکایی در دریاهای اطراف چین به ویژه تنگه تایوان؛
- استقرار سامانه موشکی تاد در کره جنوبی.

۳. روند شکل‌گیری همسوئی امنیتی بین فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین هرچند در اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی، دو کشور چین و شوروی اقداماتی را جهت تنش‌زدایی روابط فیما بین و عادی‌سازی روابط آغاز کرده بودند، اما این فروپاشی شوروی بود که سرآغاز تجدید روابط و نزدیکی این دو کشور گردید. نظم جدید جهانی که آمریکایی‌ها مروج آن بودند، تهدیداتی را متوجه قدرتهایی چون چین و روسیه ساخت که در ادامه به شکل‌گیری ادراک تهدید این دو کشور از ناحیه ایالات متحده آمریکا پرداخته شده است.

### ۳-۱. ادراک تهدید روسیه و چین از اقدامات تهدیدآمیز ایالات متحده آمریکا

رویارویی فعلی بین روسیه و غرب با گزارش‌های مداخله آمریکا در اعتراضات در اوکراین که منجر به سرنگونی دولت «ویکتور یانکویچ» گردید تشدید شد. یانکویچ در برابر روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا مقاومت کرده بود و خواستار روابط نزدیک‌تر با روسیه بود. مسکو این سرنگونی را نشانه‌ای از تلاش غرب برای بسط هژمونی خود و منزوی کردن روسیه در خارج نزدیک می‌دید و ترسش از این بود که هدف نهایی غرب تغییر رژیم در روسیه باشد (Sahai, 2019: 5). البته این ترس ریشه در تاریخ دارد. در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، انقلاب‌های رنگی کشورهای جدا شده از شوروی را درنوردید. ترس از محاصره شدن وقتی شروع شد که ناتو مکرراً پیشنهادات روسیه را نادیده گرفت و اعضای جدید تحت عنوان «گسترش به سوی شرق» را پذیرفت. وقتی که ایالات متحده مصمم بود تا سپر دفاع موشکی در مرزهای روسیه مستقر سازد پس از اینکه پیشنهاد روسیه برای احداث ایستگاه راداری مشترک آمریکا-روسیه را در سال ۲۰۰۷ در جمهوری آذربایجان نپذیرفت، پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بی‌علاقگی خود را برای عضویت در ناتو ابراز داشت و این سازمان را «تهدیدی واقعی» خطاب کرد (Sahai, 2019:5). مشکوک بودن به پیش‌بینی آمریکایی‌ها از تظاهرات مخالفان دولت در سال ۲۰۱۱ مسکو را متقاعد کرد که غرب در پی تضعیف روسیه برآمده است. بنابراین دفاع از حوزه نفوذ، ماشه دشمنی با غرب را برای مسکو چکاند.

در ادامه به برخی از اظهار نظرهای مقامات و کارشناسان روسی در خصوص اقدامات ایالات متحده آمریکا از جمله گسترش ناتو به شرق و استقرار سیستم دفاع موشکی اشاره می‌گردد.

در خلال کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور فدراسیون روسیه نگرانی‌های خود را آشکار ساخت: «مشخص گردیده است که ناتو خط جبهه نیروهایی خود را در مرزهای ما قرار داده است... گسترش ناتو... حاوی تحریکات جدی است که اعتماد متقابل را کاهش می‌دهد... تمایل این گسترش علیه چه کسی است؟» (Putin, 2007:2).

۱۳۹



همسویی امنیتی  
چین و روسیه در  
رویارویی با  
تهدیدات ایالات  
متحده

در ماه مارس سال ۲۰۱۴ میلادی، ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود در دومای روسیه بیان کرد: «اگر شما یک فنر را تا انتها فشار دهید، به سختی باز خواهد شد» (Putin, 2014:1). این اظهارات نشان دهنده این است که مسکو گسترش سیاسی و نظامی غرب (مانند، پذیرش دولت‌های اروپای شرقی به اتحادیه اروپا و بویژه ناتو) و نیز اقدامات نظامی ائتلاف ناتو (بطور مثال، سیستم دفاع موشکی) را به عنوان تهدیدات حیاتی، فوری و آشکار به امنیت ملی روسیه در نظر گرفته است.

با تعقیب جاه‌طلبی‌های سیستم دفاع موشکی ملی و سیاست‌های هسته‌ای دولت آمریکا شک و تردید درباره نیت ایالات متحده برای روس‌ها و چینی‌ها افزایش یافت. با وجود اینکه دولت وقت ایالات متحده آمریکا سیستم دفاع موشکی را تلاش منطقی برای حفاظت از قلمرو خود از تهدید موشک‌های بالیستیک دولت‌های سرکش عنوان می‌کرد، اما روس‌ها و چینی‌ها آن را به عنوان نشانه‌ای از نیت بدخواهانه ایالات متحده می‌دیدند. روسیه و چین جلوتر رفته بطور آشکار از ترس‌هایشان درباره اینکه این سیستم می‌تواند توانمندی‌های راهبردی هسته‌ای آن‌ها را با تهدید مواجه سازد صحبت به میان آورده‌اند. با وجود اینکه ایالات متحده آمریکا مکرراً اعلام کرده که هدف سیستم دفاع موشکی تنها کره شمالی و دیگر کشورهای سرکش است، یکی از دولتمردان چینی اظهار داشت که: «این مهم نیست، عواقب آن همچنان برای ما فاجعه بار است» (Eckholm, 2000:3).

یکی از دلایلی که چشم انداز سیستم دفاع موشکی بالیستیک ایالات متحده آمریکا احساس ناامنی میان قدرت‌های عمده جهانی را افزایش می‌دهد این است که در عصر هسته‌ای، امنیت قدرت‌های بزرگ به حفظ قابلیت‌های نسبی هسته‌ای قابل اعتبار وابسته است. حتی پس از جنگ سرد، ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین همچنان این باور را دارند که امنیتشان نیازمند نیروهای هسته‌ای است که بتواند به حمله هسته‌ای به سرزمینشان پاسخ دهد.

توسعه سیستم دفاع موشکی ایالات متحده معمای امنیتی کلاسیک بین ایالات متحده و دیگر قدرت‌های بزرگ به ویژه روسیه و چین ایجاد می‌کند. از زمانی که ایالات متحده این توانایی را بدست بیاورد تا موشک‌ها را از سوی دولت‌های، به زعم این کشور، سرکش رهگیری کند، تلاشش ترس قدرت‌های دیگر را افزایش می‌دهد که این سیستم محدود گسترش خواهد یافت تا برتری هسته‌ای بدست آورد. مشکل این نیست که ایالات متحده واقعاً در آینده نزدیک به برتری هسته‌ای دست یابد، - مشکلات فنی غیرقابل اجتناب با سیستم نظامی پیچیده جدید چنین ترس فوری را کاهش می‌دهد- بلکه تلاش‌های ایالات متحده برای ادامه گسترش این سیستم، این کشور را قادر خواهد کرد تا در بلندمدت برتری هسته‌ای معناداری را دنبال نماید.

با وجود اینکه استفن والت هر چهار منبع قدرت (قدرت تجمیعی، تهاجمی، مجاورت جغرافیایی و نیات خصمانه) را بصورت برابر مهم ارزیابی می‌کند. اما نیات تهاجمی بر تصویری که کشور «الف» بر کشور «ب» می‌گذارد تأثیر مهم و قوی دارد. وقتی سه منبع مادی تهدید والت را در نظر می‌گیریم، ایالات متحده بسیار تهدید کننده می‌شود. قدرت انبوه و تهاجمی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ناتو بی‌نظیر است. حضور نیابتی ناتو در مرزهای روسیه و حضور نظامی دریایی ایالات متحده در دریا‌های اطراف چین نزدیکی جغرافیایی است که یکی از منابع تهدیداتی است که والت مطرح می‌سازد. اگرچه روسیه تنها جانشین اتحاد جماهیر شوروی است، ولی دیگر ابرقدرت نیست. برتری غربی‌ها بازتاب داده شده است در تصمیمات سیاسی سخت علیه روسیه و چین که به آسانی می‌تواند به عنوان تهدید و یا حتی نقض ملاحظات امنیتی روسیه و چین در نظر گرفته شوند.



روسیه در دوران پساجنگ سرد، غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا را چنان می‌نگریست که در حال موازنه تهاجمی علیه این کشور است. کاهش نفوذ روسیه در اروپا تصویر و روایت نادیده انگاشتن منافع روسی را تقویت کرد. چنانچه پوتین بیان کرد، «آنها بطور مداوم در حال تلاش برای جارو کردن ما به سمت گوشه هستند چرا که ما موضع مستقلی داریم... و در قضیه اوکراین، شرکای غربی ما از خط قرمز گذر کرده، با خرس بازی نموده و اقدام غیرمسئولانه و غیر حرفه‌ای انجام دادند. سپس آگاه شدند که میلیون‌ها روسی در اوکراین و کریمه زندگی می‌کنند. آنها باید فاقد بصیرت سیاسی و عقل سلیم بوده باشند که پیامدهای اقداماتش را پیش بینی نکرده باشند... اگر شما فخر را تا آخرین حدش فشرده سازید، از جای خود به سختی در خواهد رفت. شما باید همواره این را به یاد داشته باشید.» (Putin, 2014: 2).

همچنین سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه روز ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰ در نشست خبری سالانه خود با هشدار به آمریکا درخصوص استقرار موشک‌های میان‌برد آمریکایی در ژاپن گفت: «آتش‌بارهای موشکی ضد بالستیک که در ژاپن مستقر شده و از آمریکا خریداری شده‌اند از همان نوعی هستند که توسط آمریکا و نه فقط برای آزمایش موشک‌های ضد بالستیک بلکه برای آزمایش موشک‌های کروز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این نوع تسلیحات در معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای میان‌برد که توسط آمریکا لغو شد ممنوع شده‌اند. این‌ها موشک‌هایی تهاجمی هستند که در نزدیکی مرزهای ما مستقر شده‌اند» (وبسایت خبری انتخاب، ۱۳۹۸: ۱).

مسیری که توسط ایالات متحده آمریکا در دوران پس از جنگ سرد دنبال شد، ادراک روسیه و چین را از تهدید تقویت کرد. به عنوان مثال، موازنه کردن علیه تصویر روسیه مهاجم نئوامپریالیسم تهدید ادراک شده را که منجر به بحران اوکراین گردید تقویت کرد. والت به درستی تأکید می‌کند که: «ممکن است پوتین لقمه بزرگ‌تری از آنچه روسیه می‌تواند بلعد خورده باشد... اما قدرت‌های بزرگ اغلب تمایل دارند تا تحمل کنند وقتی که بحث امنیتشان در میان است و این مورد نیز احتمالاً همین است.» (Walt, 2014:3).

۲-۳. اقدام موازنه کننده چین و روسیه در قبال تهدیدات امنیتی ایالات متحده آمریکا بر اساس چارچوب نظری ارائه شده در این پژوهش و بر پایه نظریه موازنه تهدید استفن والت، وقتی دولت‌ها در نظام بین‌الملل با اقدامات تهدید کننده‌ای روبرو می‌شوند، اقداماتی را جهت واکنش به آن انجام می‌دهند. چنانچه پیش از این ذکر آن رفت یکی از رفتارهایی که دولت‌ها بر پایه پیش بینی این نظریه در پیش می‌گیرند، رفتار موازنه کردن در مقابل دولت تهدید کننده است. فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین نیز پس از مواجهه با اقدامات تهدید آمیز ایالات متحده آمریکا که به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد، با گسترش همکاری‌ها تلاش کردند تا با ائتلاف با یکدیگر و تقویت روابط همکاری جویانه خود در مقابل اقدامات تهدید آمیز آمریکا موازنه برقرار نمایند. روسیه به مشارکت با چین در ساخت نظم قاره‌ای در اوراسیای پهناورتر که لبه تیز آن بیرون نگاه داشتن ایالات متحده آمریکا است، ادامه می‌دهد. البته چین و روسیه دلایل کافی برای همکاری حتی بدون عامل ایالات متحده را دارند، اما فشار واشنگتن آن‌ها را حتی نزدیک‌تر می‌سازد (Trenin, 2019: 5).

برخی از محققان چینی بر این باور هستند که تعدادی از عوامل بین‌المللی بر نزدیکی روابط بین دو کشور تأثیر گذارند. هر دو کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و قدرت‌های هسته‌ای پذیرفته شده تحت معاهده ان پی تی هستند و مهم‌تر از آن چین و روسیه هدف راهبردی مشترکی برای تضمین موازنه قدرت بین قدرت‌های بزرگ و بازداشتن ایالات متحده آمریکا از تشکیل نظام بین‌الملل تک قطبی دارند. موازنه فشارهایی که از ناحیه غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا بر آن‌ها وارد می‌شود و ترویج نظام چندقطبی از جمله عوامل مهم خارجی برای توسعه روابط بین چین و روسیه محسوب می‌شوند (Kashin et al. 2019, 28).

مسکو و پکن از زمان پایان جنگ سرد به طرز موفقیت آمیزی روابط خود را با یکدیگر گسترش دادند. از «مشارکت سازنده» در سال ۱۹۹۴ تا «مشارکت راهبردی همکاری» در سال ۱۹۹۶ و «مشارکت راهبردی عمیق و همه جانبه» در سال ۲۰۱۰. تشدید روابط دوجانبه چین و روسیه همچنین در دیدگاه‌های نزدیک دو کشور در موضوعات سیاست

1. Non-Proliferation of Nuclear Weapons Treaty
2. constructive partnership
3. strategic partnership of cooperation
4. comprehensive, deepening strategic partnership

خارجی و امنیتی قابل رویت است. پس از امضاء معاهده مودت و دوستی در سال ۲۰۰۱ میلادی، دیدگاه‌های مشترک وقتی روسیه از ادعاهای چین در مورد تایوان حمایت کرد و چین نیز از اقدام نظامی مسکو در چچن پشتیبانی نمود، نمایان بود ( Klein and Westphal 2016: 1).

رایزنی‌های سیاسی منظم در سطوح عالی در تمامی موضوعات دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی یکی از ویژگی‌های هم روابط چین و روسیه از دهه ۹۰ میلادی تاکنون بوده است. معاهده دوستی در سال ۲۰۰۱ در حقیقت سازوکاری را برای چنین رایزنی‌هایی در مواقعی که بحران‌های بین‌المللی امنیت چین و روسیه را تهدید بکنند، پایه ریزی کرد. در بند ۹ این معاهده آمده است:

«در صورتی که وضعیتی پیشامد که به نظر یکی از شرکا، بتواند تهدیدی علیه صلح، نقض صلح یا تأثیر بر منافع امنیتی یکی از شرکا داشته باشد و همچنین در صورتی که تهدید تجاوز علیه یکی از شرکا وجود داشته باشد، طرفین فوراً با یکدیگر تماس گرفته و رایزنی‌های خود را به منظور حذف تهدید پیش آمده شروع می‌کنند.»

(Treaty of Good-Neighborliness and Friendly Cooperation between the People's Republic of China and the Russian Federation, 2001: 7)

این معاهده همچنین سازوکاری را برای ملاقات‌های سطح بالای مقامات دو کشور در نظر گرفت که برای بحث درباره روابط دوجانبه و موضوعات بین‌المللی مرتبط با منافع این دو کشور به کار رود. رؤسای جمهور دو کشور از سال ۱۹۹۴ میلادی هر ساله حداقل یکبار با یکدیگر ملاقات می‌کنند. همچنین رؤسای دو کشور سالی یکبار در اجلاس شورای سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و یا دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دیدار می‌کنند. بسامد این دیدارها به تدریج افزایش یافته است بطوری‌که «شی جین پینگ» که در سال ۲۰۱۳ در چین به قدرت رسید تا پایان سال ۲۰۱۹ بیش از ۳۰ بار با همتای روسی خود ملاقات داشته است.

علاوه بر این پکن و مسکو نیروهای خود را علیه ابتکار ایالات متحده- ژاپن، استقرار سپر دفاع موشکی در آسیا، گسترش ناتو، تدبیر راهبردی مداخله‌جویانه ناتو در سال ۱۹۹۹

#### 1. Xi Jinping



میلاادی (که مداخله نظامی در کوزوو را توجیه می‌کرد) و علیه تمایل ایالات متحده آمریکا در آن زمان برای اصلاحاتی در معاهده ضد موشک‌های بالیستیک ۱۹۷۲ موسوم به ABM به منظور توسعه دفاع موشکی ملی این کشور جمع کردند (Smith, 2000: 14-15). در خلال بحران عراق در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ میلاادی روابط بین روسیه و چین تقویت بیشتری گردید که منجر به تمایلات بیشتر برای همکاری و تأکید بر چند قطبی‌گرایی شد. بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ میلاادی نه تنها روابط روسیه و غرب را تغییر داد بلکه همچنین منجر به تعمیق همکاری‌ها بین مسکو و پکن گردید. پس از آنکه اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا تحریم‌هایی را بر روسیه تحمیل کردند، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه گردش قابل توجهی به سمت چین انجام داد و تعدادی از قراردادهای شامل قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری صادرات گاز به چین را به امضاء رسانید. مسکو در تلاش بود به منظور کاهش اثرات منفی تحریم‌های غرب، جهت‌گیری اقتصاد خود را به سمت آسیا بچرخاند. برای چین نیز بحران اوکراین فرصت منحصر به فردی را برای دسترسی به منابع طبیعی روسیه به ویژه گاز طبیعی، همچنین کسب قراردادهایی در پروژه‌های زیرساختی و بازار جدیدی برای فناوری‌های چینی به وجود آورد (Gabuev, 2015:1).

در آخرین سفر رسمی انجام شده، در روز ۱۵ خردادماه ۱۳۹۸ (۵ ژوئن ۲۰۱۹) «شی جینپینگ» رئیس‌جمهور چین برای دیدار با همتای روس خود به مسکو سفر نمود. در این دیدار دو طرف توافق کردند که روابط فیما بین خود را به «مشارکت هماهنگ راهبردی همه جانبه» ارتقاء دهند. این اولین سفر «شی» پس از انتخاب دوباره در سال ۲۰۱۸ به ریاست جمهوری و هشتمین سفر رسمی وی از سال ۲۰۱۳ بود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸: ۱). با تأکید بر مشارکت استراتژیک با چین، پوتین جایگزینی برای غرب معرفی کرد. از آن زمان شی جین پینگ و پوتین از هر فرصتی برای تأیید بر روابط دوستانه‌ی شان استفاده می‌کنند (Perović and Zogg, 2019:3).

از طرفی نیز پیشرفت روابط نظامی چین- روسیه به درجات بالاتری از همکاری و هماهنگی در سه بخش همکاری‌های دوجانبه دفاعی دو کشور مشخص می‌گردد. (۱) تمارین نظامی، (۲) همکاری‌های فنی- نظامی و (۳) ملاقات‌های نظامیان عالی‌رتبه دو کشور. در سال‌های اخیر هر سه بخش از لحاظ سطح و کیفیت مشارکت تحکیم یافته است.

تمارین نظامی دو و چند جانبه از نظر پیچیدگی بویژه در رزمایش‌ها، هماهنگی و سیستم‌های تسلیحاتی که بکار گرفته می‌شود، به خصوص گسترش به دفاع موشکی افزایش یافته است.

از سه بخش همکاری‌های نظامی، تمارین مشترک نظامی بیشترین نمود را در برابر جامعه بین‌الملل از تعهد چین و روسیه برای گسترش روابط در حوزه‌های امنیتی و نظامی دارد. از سال ۲۰۰۳ که چین و روسیه برای اولین بار در یک تمرین نظامی مشترک شرکت کردند، دو کشور بیش از ۲۶ تمرین با یکدیگر برگزار کردند که افزایش در پیچیدگی به لحاظ عملیات و هماهنگی‌های مشترک به ویژه از سال ۲۰۱۴ نشان داده است (Schwartz, 2017: 12).  
۱۰ تا از این تمارین در چارچوب سازمان همکاری شانگهای صورت گرفته است.

چین و روسیه از این تمارین برای نشان دادن افزایش توانمندی‌های نظامی و قدرت روابط دفاعی چین و روسیه به جامعه بین‌الملل به ویژه ایالات متحده و کشورهای متحد آن در آسیا پاسیفیک استفاده می‌کنند. با وجود این که هر دو کشور غالباً تکذیب می‌کنند که این تمارین نظامی علیه کشور خاصی باشد (Bodner, 2015: 6)، محل‌هایی که هر یک از این تمارین نظامی برگزار می‌شود و تسلیحاتی که بکار می‌رود می‌تواند چنین برداشتی را به ذهن متبادر سازد. برای مثال متعاقب حکم دیوان دائم کیفری که ادعاهای سرزمینی چین در دریای چین جنوبی را نامعتبر عنوان کرد، تمرین دریایی مشترک ۲۰۱۶ در دریای چین جنوبی با تمرکز بر تصرف جزیره برگزار نمود (LeGrone, 2016:13). ماه‌ها پیش از این تمرین مسکو حمایت خود از موضع پکن در دریای چین جنوبی را اعلام کرده بود (Buckley, 2016: 2) و هفته‌ها پیش از شروع این تمرین نظامی، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه تصمیم دیوان را نپذیرفته بود (Sputnik, 2016a:1) که انجام این تمرین نمایشی برای اتحاد مواضع در مقابل این حکم دیوان بود. از سویی نیز بعضی از این تمارین در مناطقی انجام می‌شوند که این فرصت را در اختیار چین قرار می‌دهند تا مناطق راهبردی مهمی که نیروی دریایی روسیه در آن قرار دارند حضور داشته باشد. دریای مدیترانه محل برای اولین فاز تمرین دریایی مشترک ۲۰۱۵ بود جایی که حوزه نفوذ سنتی مسکو بود. ناوگان پاسیفیک روسیه که در



ولادی وستوک در مرز دریای ژاپن قرار دارد محل انجام فاز دوم تمرین نظامی مشترک دو کشور در سال ۲۰۱۵ بود. در جدول زیر تمارین نظامی مشترک چین و روسیه از سال ۲۰۱۲ میلادی آمده است.

جدول شماره ۱. تمارین دریایی مشترک چین- روسیه، ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۸

نام	تاریخ	محل	مجموع نیروها
دریایی مشترک-۲۰۱۲	آوریل ۲۲-۲۷	چینگدائو، چین (آب‌های نزدیک)	۱۰۰۰۰ شامل ۴۰۰۰ چینی، ۶۰۰۰ روسی
دریایی مشترک-۲۰۱۳	ژوئیه ۱۲-۵	خلیج پتر کبیر، روسیه	۴۰۰۰
دریایی مشترک-۲۰۱۴	مه ۲۰-۲۶	دریای چین شرقی (آب‌های نزدیک شانگهای)	گزارش نشده
دریایی مشترک-۲۰۱۵ فاز اول	مه ۱۱-۲۱	دریای مدیترانه (بخش شرقی)	گزارش نشده
دریایی مشترک-۲۰۱۵ فاز دوم	اوت ۲۰-۲۸	خلیج پتر کبیر و دریای ژاپن	۴۰۰ نیروی دریایی، ۲۰۰ روس و ۲۰۰ چینی
دریایی مشترک-۲۰۱۶	سپتامبر ۲۰-۱۲	دریای چین جنوبی	۲۵۶ نیروی دریایی شامل ۱۶۰ چینی و ۹۶ روسی
دریایی مشترک-۲۰۱۷	ژوئیه ۱۵-۳۰	دریای بالتیک	
دریایی مشترک-۲۰۱۹	مه ۱-۵	دریای زرد نزدیک چینگدائو	

(Meick, 2017: 10) : منبع

در ادامه تمارین نظامی که در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و با عنوان مأموریت صلح بصورت دوسالانه برگزار می‌شود در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲. تمارین نظامی مأموریت صلح سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۸

نام	تاریخ	مشارکت کنندگان	محل	مجموع نیروها
مأموریت صلح - ۲۰۰۵	۱۸-۲۵ اوت	چین و روسیه	ولادی وستوک، ویفانگ و چینگدائو	۹۸۰۰ (۸۰۰۰ چینی و ۱۸۰۰ روس)

#### 1. Vladivostok

۷۵۰۰ (۱۶۰۰ چینی و ۲۰۰۰ روسی)	چین	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان	۹-۱۷ اوت	مأموریت صلح ۲۰۰۷-
۲۶۰۰ (۱۳۰۰ چینی و ۱۳۰۰ روسی)	تائونان جیلین چین	چین و روسیه	۲۴-۲۶ ژوئیه	مأموریت صلح ۲۰۰۹-
۵۰۰۰ (۱۰۰۰ چینی و ۱۰۰۰ روسی)	منطقه زنیبل قزاقستان	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان	۱۰-۲۵ سپتامبر	مأموریت صلح ۲۰۱۰-
۲۰۰۰ (۳۶۹ چینی، ۳۵۰ روسی)	منطقه خجند تاجیکستان	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان	۸-۱۴ ژوئن	مأموریت صلح ۲۰۱۲-
۱۵۰۰ (۶۰۰ چینی، ۹۰۰ روسی)	چبارکول روسیه	چین و روسیه	۲۷ ژوئیه تا ۱۵ اوت	مأموریت صلح ۲۰۱۳-
۷۰۰۰ (۵۰۰۰ چینی، ۱۰۰۰ روسی)	شهر زوریهه منطقه خودمختار مغولستان داخلی در چین	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان	۲۴-۲۹ اوت	مأموریت صلح ۲۰۱۴-
۱۱۰۰ (۲۷۰ چینی و ۵۰۰ روسی)	بالیکچی قرقیزستان	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان	۱۵-۲۱ سپتامبر	مأموریت صلح ۲۰۱۶-
۳۰۰۰ (۱۷۰۰ روسی، ۷۰۰ چینی و ۲۰۰ هندی)	چبارکول روسیه	هشت کشور عضو اصلی (پاکستان و هند برای اولین بار شرکت کردند)		مأموریت صلح ۲۰۱۸-

(Meick, 2017: 11): منبع

در سال ۲۰۱۶ میلادی، چین و روسیه همکاری‌های خود را به دفاع موشکی گسترش دادند که علامتی به شبکه دفاع موشکی آمریکا در آسیای شمال شرق و نشان دهنده گام دیگری در همکاری‌های نظامی دوجانبه بود. تصمیم به برگزاری رزمایش امنیت هوافضای ۲۰۱۶- اولین تمرین دفاع موشکی شبیه سازی شده کامپیوتری بین چین و روسیه- در ماه مه ۲۰۱۶ به نظر پاسخ مستقیمی به آغاز گفتگوهای بین آمریکا و کره جنوبی برای بکارگیری سامانه دفاع موشکی «تاد» در کره جنوبی پس از تشدید بحران در شبه جزیره کره در اوایل همان سال بود. فروش تسلیحات روسی به چین شامل انتقال سیستم‌های عمده تسلیحاتی و فناوری‌های دفاعی و نیز موافقت‌نامه لایسنس، برای هر دو طرف منافی به همراه داشته است. بر اساس مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI) از زمان فروپاشی اتحاد شوروی نزدیک به ۸۰ درصد از مجموع واردات تسلیحات چین از روسیه بوده است و بیش از یک چهارم صادرات تسلیحاتی روسیه به سمت چین رفته است (Stockholm International Peace Research Institute, 2017: 1).

تعمیق همکاری صنایع دفاعی دو کشور در سال‌های اخیر بخشی از روابط نزدیک‌تر نظامی دو کشور است. با وجود این که ترتیبات تولید مشترک دو کشور برای پروژه‌های تحقیق و توسعه دفاعی بخشی از همکاری‌های فنی نظامی آن‌ها از اوایل دهه اول قرن حاضر است، تا این اواخر چنین همکاری‌های مضمول سیستم‌های خیلی پیشرفته نبود. در سال‌های اخیر، چین و روسیه توافق‌نامه‌های زیادی برای تولید سیستم‌های مشترک مورد علاقه دو کشور به امضاء رسید که شامل هلی‌کوپترهای سنگین بر نسل پیشرفته و زیردریایی‌های الکتریکی دیزلی کلاس لادا می‌باشد. شرکت‌های دفاعی چین و روسیه و مراکز توسعه و تحقیقات در سال‌های اخیر تعداد زیادی موافقت‌نامه همکاری در بخش‌های متنوعی که به دستیابی چین به تکنولوژی‌های پیشرفته روسی کمک می‌کند امضاء کردند (Meick, 2017: 15).

چین و روسیه ملاقات‌های سطح بالای نظامیان دو کشور را از طریق گفتگوهای دوجانبه و فروم‌های بین‌المللی دفاعی برقرار می‌سازند. این تماس‌ها فرصت‌هایی برای



مقامات نظامی دو کشور برای تسهیل پکیج‌های تسلیحاتی، آمادگی برای رزمایش‌های نظامی دو و چندجانبه و گفتگو در خصوص نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌کند. تحلیل گزارش‌های آشکار راینی‌های مقامات رسمی بین سطوح بالای ارتش‌های دو کشور نشان از هماهنگی رو به افزایش بین دو طرف و تغییر به سمت هماهنگی‌های بیشتر در سطوح عالی است.

از طرفی نیز در بخش اقتصادی نیز اهمیت چین برای روسیه به تدریج در حال افزایش است. چین در سال ۲۰۱۰ میلادی بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه شد (جایگزین آلمان) و تاکنون باقی مانده است. روسیه در سال ۲۰۱۸ دهمین شریک تجاری چین محسوب می‌شد. همچنین در سال ۲۰۱۶ چین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده وام برای اقتصاد روسیه شد که تخمین زده می‌شود مجموعاً ۵۰ میلیارد دلار تا ابتدای سال ۲۰۱۸ باشد. چین پیش از ژاپن و کره جنوبی بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در سال ۲۰۱۳ در روسیه بود (Kashin et al., 2019: 14). در طول دهه گذشته روسیه و چین به طور متداوم روابط تجاری خود را تقویت کردند. نه فقط حجم تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۱۸ در مقایسه با سال ۲۰۱۷ حدود ۲۵ درصد رشد داشت و به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ گردید، بلکه سهم فزاینده‌ای از این تجارت دو جانبه به پول‌های ملی این دو کشور یعنی روبل و یوان انجام گرفت. اکنون بیش از یک ششم ذخایر ارزی بانک مرکزی روسیه به یوان نگهداری می‌شود (Perović and Zogg, 2019: 13).

همکاری‌های مالی و بانکی نیز افزایش یافته است. این شامل اقداماتی چون جلوگیری از مالیات مضاعف، تسهیل سازوکارهای تجارت و پرداخت به پول چین و موافقت‌نامه‌ای برای تبادل مالی به پول‌های ملی تا سقف ۲۱ میلیارد دلار بود. در ماه ژوئن سال ۲۰۱۹ نیز روسیه و چین توافق‌نامه استفاده از پول‌های ملی برای تسویه پرداخت‌های تبادلات مالی و تجاری متقابل را امضاء کردند که سرآغازی برای مقابله با هژمونی دلار در جهان محسوب می‌شود (TASS News Agency, 2019: 1).

##### ۵. پیامدهای همسوئی امنیتی چین و روسیه برای ایالات متحده آمریکا

همچنانکه روابط امنیتی و نظامی چین و روسیه دوران گرمی را تجربه می‌کند و به نزدیک‌ترین حالت خود از زمانی که دو کشور در سال ۱۹۸۹ میلادی روابط خود را از سر

گرفتند می‌رسد، برخی ناظران مطرح می‌کنند که این دو کشور به سمت تشکیل یک محور ژئوپلیتیک یا ائتلاف که می‌تواند منافع ایالات متحده آمریکا را در منطقه آسیا پاسیفیک و فراتر از آن تهدید نماید در حال حرکت هستند. آن‌ها ذکر می‌کنند که افزایش ایزوله کردن روسیه در جامعه بین‌الملل از ناحیه غرب، افزایش حضور آمریکا در آسیا پاسیفیک از جمله دلایل تعمیق راهبردی روابط بین چین و روسیه بوده است. این اقدام تا جایی به پیش رفته است که برخی از صاحب‌نظران چینی در خصوص تشکیل ائتلاف با روسیه بحث‌هایی مطرح کرده‌اند (Yan, 2016: 14). ادارک مشترک از منافع ملی چین و روسیه احتمالاً راهنمای تمامی روابط این دو کشور باشد.

تعمیق همکاری‌های امنیتی و نظامی چین و روسیه پیامدهای قابل توجهی برای ایالات متحده و آسیا پاسیفیک دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. الف) همسویی امنیتی چین و روسیه برتری نظامی ایالات متحده در شرق آسیا را به چالش می‌کشد.

حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا به منظور موازنه با خیزش چین در آسیا پاسیفیک یکی از راهبردهای مهم این کشور در جهت حفظ ثبات هژمونیک خود در جهان و حمایت از متحدان سنتی این کشور در برابر قدرت نوظهور چین است. هرچند چین از برخی از ابعاد نظامی از جمله در بخش هوایی و دریایی قدرت کمتری نسبت به ایالات متحده آمریکا دارد اما همکاری نظامی و خرید تجهیزات پیشرفته از روسیه سبب شده است که به تدریج این کشور بتواند در مقابله با آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن عرض اندام نماید. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۵ میلادی اعلام شد که روسیه ۲۴ فروند جنگنده‌های SU-35 به چین می‌فروشد که تعدادی از آن‌ها تاکنون واصل شده است و به ارتش آزادیبخش خلق چین کمک می‌کند تا به مقابله با برتری هوایی ایالات متحده نزدیک‌تر شود (Minnick, 2015: 31). تجهیزات پیشرفته این جنگنده‌ها که قابل مقایسه با J-11 و J-22 های چینی نیست بسیار حیاتی است به ویژه در زمانی که چین تلاش دارد تا جنگنده‌های بومی خود را ارتقاء دهد.

از طرفی، روسیه چهار دستگاه سامانه دفاع موشکی S-400 SAM را به چین فروخت که در سال ۲۰۱۸ میلادی طرف چینی آن را دریافت نمود. این سامانه می‌تواند بر موازنه قدرت نظامی در تنگه تایوان و آب‌های نزدیک به چین تأثیر بگذارد که پیامدهایی برای

منافع امنیتی ایالات متحده دارد. سامانه اس ۴۰۰ دامنه دفاع موشکی چین را از ۳۰۰ کیلومتر فعلی (سامانه اس ۳۰۰) به حدود ۴۰۰ کیلومتر ارتقاء خواهد داد که برای پوشش تمامی جزیره تایوان و بخشی از دریای شرقی و بخشی از دریای چین جنوبی کافی است. وقتی که این سامانه موشکی با دیگر توانمندی‌های هوایی چین همراه شود برتری هوایی قابل توجهی به این کشور بر تایوان می‌دهد.

همچنین رزمایش‌های نظامی در حال افزایش نیروهای نظامی روسیه و چین برای هر دو طرف تجربیات ارزشمندی در تعقیب اهداف نظامی خود فراهم می‌آورد. با در نظر گرفتن این که ارتش چین در سال‌های اخیر تجربه جنگی نداشته است، این چنین رزمایش‌هایی به ویژه برای تمرین این که چگونگی تشکیل ستادهای مشترک اطلاعاتی و تسهیل اهداف مدرن‌سازی نظامی بسیار مفید است (Taylor, 2015: 17). همچنین ارتش چین از این تمارین نظامی نفع می‌برد، چرا که در آموزش‌ها و رزمایش‌های تمرینی واقعی‌تر مشارکت می‌کند که برای مأموریت‌های راهبردی آن به ویژه عملیات آبی خاکی مهم است. افزایش قابلیت‌های آبی خاکی نیروهای چینی می‌تواند مانعی برای توانایی ایالات متحده برای پاسخ سریع به عملیات احتمالی منطقه‌ای در دریای شرق و جنوب چین خواهد بود (Ridzwan, 2015: 21). از طرفی نیز دستور کار این رزمایش‌های نظامی بین دو کشور حوزه جغرافیایی آن‌ها را گسترش داده که از دریای مدیترانه و دریای ژاپن در سال ۲۰۱۵ گرفته تا دریای چین جنوبی در سال ۲۰۱۶ میلادی امتداد یافته بود. به همراه گسترش دستور کار به منظور شمول دفاع موشکی در آن، نشاندهنده نزدیکی منافع امنیتی دو کشور است و مطرح می‌کند که پکن و مسکو در حال ارسال علائمی از حمایت‌هایشان از ترجیحات امنیتی یکدیگر است. اگر این طور باشد می‌توان انتظار داشت که هماهنگی یا اتحاد بیشتری در حوزه‌های امنیتی و دفاعی بین این دو کشور برقرار شود که می‌تواند چالش‌هایی را برای ایالات متحده به همراه داشته باشد. برای مثال، چین و روسیه بصورت لفظی حمایت بیشتری از مواضع یکدیگر در ارتباط با موضوعاتی که یکی از آن‌ها درگیر آن است انجام داده‌اند مانند کره شمالی و سوریه و تمایل دارند در مخالفت با اهداف ایالات متحده از یکدیگر حمایت نمایند.

همچنین دو طرف همکاری‌های دفاع موشکی خود را افزایش می‌دهند که این امر سبب می‌شود ایالات متحده با محیط راهبردی پیچیده‌تری مواجه گردد که موانع بیشتری

در عملیات‌های احتمال در آسیا پاسیفیک بوجود آورد. پکن و مسکو به نظر در تلاش هستند تا اثر گذاری سیستم دفاع موشکی آمریکا را از طریق توسعه موشک‌های پیشرفته و دیگر همکاری‌ها در این زمینه کاهش دهند (Sputnik, 2016b: 1).

ب) همسوئی امنیتی (مشارکت استراتژیک) چین و روسیه نظم بین‌المللی مبتنی بر هژمونی آمریکایی را به چالش می‌کشد.

پس از فروپاشی نظام بین‌الملل جنگ سرد که بر پایه نظم دو قطبی بنیان نهاده شده بود، ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده تلاش نمود تا نظم تک قطبی سلسله مراتبی را جایگزین نظام پیشین نماید. در این راستا نقش آمریکا رهبری جهان و ناتو بازوی نظامی آن محسوب می‌شد. لیکن تغییرات و تحولات پس از آن، به ویژه نزدیکی چین و روسیه، نشان‌دهنده حرکت از نظام بیست و پنج ساله پساجنگ سردی به سمت جهانی بدون ابرقدرت هژمون است. رشد سریع کشورهایمانند چین، هند و برزیل جهانی چند قطبی را به وجود می‌آورد با تعدادی از بازیگران قدرتمند و گروه وسیعی از بازیگران دسته دوم کمتر قدرتمند ولی قوی.

در صورت پیشروی همکاری‌های چین و روسیه در حوزه‌های مختلف به ویژه در بخش‌های امنیتی و نظامی، با توجه به قدرت نظامی بالای روسیه و وسعت سرزمینی بسیار زیاد این کشور و حضور در مناطق سوق الجیشی در اورآسیا و همچنین توان بالای اقتصادی چین و جمعیت بالای این کشور، تشکیل یک قطب جدید قدرت که با ایالات متحده هم‌اوردی نماید دور از ذهن نیست در این صورت نظام بین‌الملل از حالت تک قطبی به نظام با قطب‌های مختلف قدرت تغییر وضعیت می‌دهد.

ج) همسوئی امنیتی چین و روسیه روند افول آمریکا از ابرقدرتی و رهبری جهان را تشدید می‌کند.

در سال‌های اخیر اندیشمندان زیادی در جهان و آمریکا از شروع روند افول قدرت آمریکا صحبت به میان آورده‌اند و دلایل مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند. در این میان در صورت پیشرفت همسوئی امنیتی چین و روسیه موازنه قدرت در برخی از مناطق جهان از جمله شرق آسیا به نفع چین و روسیه تغییر یافته و پیامد آن متحدان سنتی منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در منطقه و جهان اعتماد سابق را به حمایت ایالات متحده از آن‌ها از دست

داده و به تدریج رویکردهای سیاست خارجی خود را به سمت قطب‌های جدید قدرت می‌چرخانند که این امر بر روند افول قدرت آمریکا تأثیر مستقیمی خواهد داشت. از طرفی نیز یکی از ابعاد قدرت ایالات متحده آمریکا، قدرت مالی و اقتصادی آن است که وابستگی زیادی به هژمونی دلار در جهان دارد. آغاز تلاش‌های چین و روسیه برای جایگزینی دلار و استفاده از پول‌های ملی به منظور انجام تبادلات تجاری و اقتصادی میان خود از جمله در چارچوب ساختارهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای تأثیر مستقیمی بر کاهش نفوذ و قدرت ایالات متحده در جهان خواهد گذارد.

۱۵۳

از دیگر موارد می‌توان به استفاده ایالات متحده از سازوکارهای مالی و اقتصادی بین‌المللی غرب محور مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و... برای بسط و توسعه هژمونی خود در جهان یاد کرد که این امر نیز با تصمیمات چین و در مرحله بعد روسیه برای ایجاد ساختارهای مالی مانند بانک عمران و توسعه سازمان همکاری شانگهای، بانک توسعه زیرساختی آسیایی به چالش کشیده شده است و رقیبی جدی برای مجموعه‌های غرب محور ایجاد نموده‌اند که این امر نیز یکی دیگر از بازوهای قدرت ایالات متحده آمریکا در جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

(د) همسوئی امنیتی چین و روسیه ایدئولوژی ارائه شده توسط غرب، لیبرال دموکراسی، را به چالش می‌کشد.

غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا با حمایت و جانبداری از ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و حقوق بشر و تلاش برای ترویج، توسعه و تحمیل این ایدئولوژی در جهان، بعد معنایی هژمونی خود را در جهان گسترش می‌دهد. تلاش جهت برپا کردن انقلاب‌های رنگین در کشورهایی که تحت نفوذ غرب حضور ندارند از جمله کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و نهایتاً کشورهای چین و روسیه به منظور تغییر حکومت‌های آن‌ها و جایگزینی با حکومت‌های غرب‌گرا از جمله راهبردهای ایالات متحده و متحدان غربی آن برای بسط نفوذ و سلطه خود در منطقه و جهان بوده است.

نزدیکی چین و روسیه به عنوان دولت‌هایی که نوع حکومت‌های متفاوت از غرب دارند و به لحاظ هویتی خود را متفاوت از غرب تعریف می‌کنند می‌تواند با ترکیب پشتوانه اقتصادی چین و پشتوانه سیاسی، امنیتی و نظامی روسیه به عنوان سدی در مقابل این



سیاست ایالات متحده در منطقه اوراسیا به طور ویژه محسوب شده و از توسعه نفوذ فرهنگی ایدئولوژیک ایالات متحده جلوگیری نماید.

ه) همسوئی امنیتی چین و روسیه از استفاده ابزاری ایالات متحده آمریکا از شورای امنیت سازمان ملل برای پیشبرد سیاست‌های یکجانبه این کشور جلوگیری می‌کند. پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا که خود را تنها ابرقدرت باقی مانده در جهان می‌دانست برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها و اقداماتی که در جهان انجام می‌داد از ابزار شورای امنیت سازمان ملل سود می‌برد. ابزاری که چهار عضو دیگر دارنده حق و تو کمتر می‌توانستند در برابر آن ایستادگی کنند. اما با همسوئی امنیتی چین و روسیه در سال‌های اخیر که منجر به اتحاد مواضع نسبتاً مشترکی در خصوص مسائل و معضلات بین‌المللی شده است، سبب گردیده که این دو کشور بتوانند در مواردی در مقابل استفاده ابزاری از شورای امنیت توسط آمریکا ایستادگی کرده و از حق و توی خود به منظور و توی قطعنامه‌هایی که آمریکایی‌ها ارائه می‌کردند استفاده نمایند. هر چه قدر مشارکت استراتژیک چین و روسیه در نظام بین‌الملل بیشتر شود، اعتماد به نفس لازم برای مقابله با تصمیمات یکجانبه آمریکا و تقسیم هزینه‌های احتمالی آن را بیشتر کسب خواهند کرد که این امر بر یکی از ابزارهای گسترش نفوذ و قدرت ایالات متحده تأثیر خواهد گذاشت و کارایی آن را زیر سؤال خواهد برد.

#### نتیجه‌گیری

به منظور بررسی فرضیه اصلی این پژوهش که «تهدید منافع امنیتی چین و روسیه از سوی ایالات متحده آمریکا علت اصلی شکل‌گیری همسوئی امنیتی بین روسیه و چین در سال‌های ۱۹۹۳ لغایت ۲۰۱۹ میلادی بوده است» بر مبنای نظریه موازنه تهدید استفن والت در ابتدا به اقداماتی که ایالات متحده آمریکا علیه این دو کشور انجام داده است و توسط این دو کشور به عنوان اقدامات تهدیدآمیز تلقی و ادراک شده است پرداخته شد. اشاره شد که واکنش به تهدید به میزان ادراک تهدیدی که از مرجع تهدید سرچشمه می‌گیرد وابسته است. بنابراین واکنش روسیه و چین به اقدامات تهدیدکننده آمریکا که بیانگر قدرت بیشتر نظامی و غرب یکجانبه‌گراتر است، تأکید بر دکترین چندقطبی‌گرایی، رفتار موازنه‌گرایی در سیاست خارجی خود است. چین و روسیه از رویکرد ایالات متحده و اقدامات امنیتی و

نظامی این کشور علیه خود ادراک و تلقی تهدید کرده و رفتار موازنه‌کننده‌ای را به تدریج در پیش گرفتند. در راستای افزایش همکاری‌های امنیتی، نظامی و سیاسی و نوعی ائتلاف که می‌توان از آن به همسوئی امنیتی نام نهاد پیش می‌روند.

از طرفی با ارزیابی صحنه بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ میلادی روشن می‌گردد که دوره پساجنگ سرد برای ایالات متحده آمریکا چندان هم مطابق انتظار مقامات این کشور در سال‌های اولیه پس از فروپاشی شوروی خوب پیش نرفته است. در کلان موضوع این امر به دلیل افول رهبری ایالات متحده و سربرآوردن قطب‌های جدید قدرت در نظام بین‌الملل است که فضا را برای یک تازی‌های این کشور تنگ و تنگ‌تر کرده است.

۱۵۵

تنش بین ناتو و روسیه بر سر گسترش ناتو به شرق و نزدیک شدن به حیاط خلوت روس‌ها به عنوان مثال در قضیه اوکراین معضلی است که از اروپا نیز فراتر رفته است. بطور با اهمیتی منابع محدود ایالات متحده را از شرق آسیا جایی که چین رقیب اصلی آمریکا قرار دارد دور نموده است. این امر روسیه را به چین نزدیک‌تر گردانیده که در جهت خلاف منافع آمریکا است. برای مثال همانطور که ذکر شد پس از بحران اوکراین روسیه موافقت کرد تا سامانه دفاع موشکی اس ۴۰۰ را به چین بفروشد موضوعی که تا پیش از آن در خصوصش مردد بود. این علاوه بر معاملات در حوزه انرژی بود که پس از حوادث اوکراین بین چین و روسیه منعقد شد. دو طرف همچنین رزمایش‌های نظامی در آسیای شمال شرقی و دریای چین جنوبی برگزار کردند.

در حقیقت همسوئی هنجاری-امنیتی این دو دولت، مواضع معنادار یکسان آن‌ها در قبال بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند بحران کره شمالی و درخواست آن‌ها برای نظم اقتصادی، سیاسی و مالی بین‌المللی جدید و انتقاد از ترویج دموکراسی آمریکایی و دیگر سیاست‌ها مانند مداخله در لیبی، نشان دهنده این است که حتی در آینده همسویی بیشتری را بین دو کشور به ضرر آمریکا شاهد باشیم. علاوه بر این، این همسویی تنها دربرگیرنده همسویی منافع نیست بلکه همسویی ارزش‌ها را نیز شامل می‌شود.

این همسویی امنیتی بین چین و روسیه پیامدهای مهمی برای ایالات متحده آمریکا در بر داشت که به برخی از آن‌ها در این پژوهش اشاره شد. شاید در جمع بندی بتوان اشاره کرد که مهم‌ترین پیامد این همسوئی امنیتی برای ایالات متحده آمریکا، تشدید افول قدرت



و هژمونی این کشور و تنزل آن از منزلت ابرقدرتی به قدرت بزرگ جهانی در میان سایر قطب‌های قدرت در نظام بین‌الملل باشد.

## منابع

- خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۸). *چرا سفر رئیس‌جمهور چین به روسیه مهم است؟*. (۱۸ خرداد) (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/03/18/2027511>).
- فردی پور، سعید. (۱۳۸۶). «روابط راهبردی چین و روسیه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران». *دفتر مطالعات سیاسی (گروه دفاعی، کمیته امنیتی- هسته‌ای)*. (دیماه) گزارش شماره مسلسل: ۸۷۲۶.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریات روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- وبسایت خبری انتخاب. (۱۳۹۸). مسکو: پیش از سقوط هواپیمای اوکراینی دست کم ۶ جنگنده F-35 نزدیک مرزهای ایران در پرواز بودند. (۲۸ دیماه). ([www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir))

- Blank, Stephen (2013). Russo-Chinese relations at a crossroads: An American view. in Moshes, Arkady & Nojonen, Matti (eds.). *Russia-China relations: Current state, alternative futures, and implications for the West*. Finnish Institute of International Affairs. ([https://www.fiia.fi/wp-content/uploads/2017/01/fiia\\_report\\_30\\_web.pdf](https://www.fiia.fi/wp-content/uploads/2017/01/fiia_report_30_web.pdf)) (15 April 2019).
- Bodner, Matthew (2015). Russia, China Launch Largest Joint Naval Exercise in History. *Moscow Times*. August 20. (<http://www.themoscowtimes.com/business/article/russia-china-launch-largest-joint-naval-exercise-in-history/528346.html>) (23 July 2019).
- Buckley, Chris (2016). Russia to Join China in Naval Exercise in Disputed South China Sea. *New York Times*. July 29. (<http://www.nytimes.com/2016/07/29/world/asia/russia-china-south-china-sea-naval-exercise.html>). (1 August 2019).
- Dube, Clayton (2018). China in U.S. National Security Strategy Reports, 1987-2017. USC U.S.-China Institute. (<https://china.usc.edu/china-us-national-security-strategy-reports-1987-2017>) (15 November 2019).
- Eckholm, Eric (2000). What America Calls a Defense China Calls an Offense. *New York Times*, (July 2). (<https://www.nytimes.com/2000/07/02/weekinreview/the-world->



- missile-wars-what-america-calls-a-defense-china-calls-an-offense.html** (12 August 2019).
- Gabuev, Alexander (2015). A “SOFT ALLIANCE”? RUSSIA-CHINA RELATIONS AFTER THE UKRAINE CRISIS. European Council on Foreign Relations. (February) ([http://www.ecfr.eu/publications/summary/a\\_soft\\_alliance\\_russia\\_china\\_relations\\_after\\_the\\_ukraine\\_crisis331](http://www.ecfr.eu/publications/summary/a_soft_alliance_russia_china_relations_after_the_ukraine_crisis331)) (23 May 2019).
- Garamone, Jim (2005). Singapore, U.S. Reaffirm, Strengthen Relationship, American Forces Press Service, (12 July). ([http://www.defenselink.mil/news/Jul2005/20050712\\_2040.html](http://www.defenselink.mil/news/Jul2005/20050712_2040.html)).
- Gorbachev, Mikhail (2009). blasts NATO eastward expansion. RIA Novosti, 2 (April). (<http://en.ria.ru/russia/20090402/120879153.html>) (14 August 2019).
- Harding, Luke (2007). Russia threatening new cold war over missile defense. **Guardian**, (4 November). (<http://www.theguardian.com/world/2007/apr/11/usa.topstories3>) (25 September 2019).
- Indo-Pacific Strategy Report: Preparedness, Partnerships, and Promoting a Networked Region. (June 1, 2019). (<https://media.defense.gov/2019/Jul/01/2002152311/-1/-1/1/DEPARTMENT-OF-DEFENSE-INDO-PACIFIC-STRATEGY-REPORT-2019.PDF>) (14 December 2019).
- Kashin, Vasily, Ma Bin, Yuki Tatsumi, and Zhang Jian (2019). Sino-Russian relations Perspectives from Russia, China, and Japan. The national bureau of Asian research. ([https://www.nbr.org/wp-content/uploads/pdfs/publications/sr79\\_sino-russian\\_relations\\_may2019.pdf](https://www.nbr.org/wp-content/uploads/pdfs/publications/sr79_sino-russian_relations_may2019.pdf)) (3 January 2020).
- Klein, Margarete and Westphal, Kirsten (2016). Russia: Turn to China?. German Institute for International and Security Affairs. ([https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C07\\_kle\\_wep.pdf](https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C07_kle_wep.pdf)) (2 July 2019).
- LeGrone, Sam (2014). Russia and China to Hold 2015 Naval Exercises in Mediterranean, Pacific, USNI News, November 20, 2014. (<https://news.usni.org/2014/11/20/russia-china-hold-2015-naval-exercises-mediterranean-pacific>.) (14 July 2019)
- Meick, Ethan (2017). China-Russia Military-to-Military Relations: Moving Toward a Higher Level of Cooperation. U.S. - China Economic and Security Review Commission. (March, 20). (<https://www.uscc.gov/sites/default/files/Research/China-Russia%20Mil-Mil%20Relations%20Moving%20Toward%20Higher%20Level%20of%20Cooperation.pdf>) (12 January 2019)

- Minnick, Wendell (2015). Russia-China Su-35 Deal Raises Reverse Engineering Issue. *Defense News*. (November 20). (<http://www.defensenews.com/story/defense/air-space/strike/2015/11/20/russia-china-su-35-deal-raises-reverse-engineering-issue/76102226/>) (15 September 2019).
- National Missile Defense (2000). ([https://clintonwhitehouse4.archives.gov/textonly/WH/new/html/Wed\\_Oct\\_4\\_141122\\_2000.html](https://clintonwhitehouse4.archives.gov/textonly/WH/new/html/Wed_Oct_4_141122_2000.html))(25 November 2019).
- National Security Strategy of United States of America (2017). (<http://nssarchive.us/wp-content/uploads/2017/12/2017.pdf>) (12 November 2019)
- National Intelligence Strategy of the United States of America (2019). ([https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/National\\_Intelligence\\_Strategy\\_201.pdf](https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/National_Intelligence_Strategy_201.pdf)) (12 November 2019).
- Nesirky, Martin, (2000). Interview—Russian General Slams U.S. on Missile Plan. *Reuters*. February 14.
- Plafker, Ted (2000). China Joins Russia in Warning U.S. on Shield. *Washington Post*. July, 14.
- Perović, Jeronim and Benno Zogg (2019). Russia and China: The Potential of Their Partnership. *CSS Analyses in Security Policy*. No. 250, October. (<https://css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/CSSAnalyse250-EN.pdf>) (15 December 2019).
- Putin, Vladimir (2007). Speech and the following discussion at the Munich conference on security policy. President of Russia, (10 February). (<http://archive.kremlin.ru/eng/speeches/2007/02/10/>) (15 December 2019).
- Putin, Vladimir (2014a) Address by President of the Russian Federation, (<http://eng.news.kremlin.ru/transcripts/6889>) (2 July 2019).
- Putin, Vladimir (2014b) Soveshchanie poslov i postoiannykh predstavitelei Rossii. (<http://www.kremlin.ru/news/46131>) (1 July 2019).
- Ridzwan, Rahmat (2015). China Debuts Zubr LCAC in Show of Amphibious Force in South China Sea. *IHS Jane's*. July 21. (<http://www.janes.com/article/53127/china-debuts-zubr-lcac-in-show-of-amphibious-force-in-south-china-sea>) (26 August 2019).
- Ross, Robert S. (2013). US Grand Strategy, the Rise of China, and US National Security Strategy for East Asia. *Strategic Studies Quarterly* (summer). ([https://pdfs.semanticscholar.org/9b31/dabc644e1556b1b4fc0f2933fe1e4db33635.pdf?\\_ga=2.71340691.1831451241.1577195701-2055021184.1576330950](https://pdfs.semanticscholar.org/9b31/dabc644e1556b1b4fc0f2933fe1e4db33635.pdf?_ga=2.71340691.1831451241.1577195701-2055021184.1576330950)) (20 September 2019).

- Roy J. Stapleton (2017). Sino-Russian Relations in a Global Context: Implications for the United States. in Chase, Michael S., et al. Russia-china relations Assessing Common Ground and Strategic Fault Lines. **The national bureau of Asian research**, (July). ([https://www.nbr.org/wp-content/uploads/pdfs/publications/special\\_report\\_66\\_russia-chinarelations\\_July2017.pdf](https://www.nbr.org/wp-content/uploads/pdfs/publications/special_report_66_russia-chinarelations_July2017.pdf)) (24 May 2019).
- Sahai, Dhananjay (2019). Russian Far East and Central Asia: Impediments to Sino-Russian Partnership. **ORF Issue Brief** No. 280. (February). Observer Research Foundation. ([https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2019/02/ORF\\_IssueBrief\\_280\\_Russia-China.pdf](https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2019/02/ORF_IssueBrief_280_Russia-China.pdf))
- Schmitt, Eric (2002). Antimissile System, in a Limited Form, Is Ordered by Bush **New York Times**, (December 18). (<https://www.nytimes.com/2002/12/18/world/threats-responses-defense-antimissile-system-limited-form-ordered-bush.html>) (25 October 2019).
- Schwartz, Paul (2017). Russia-China Defense Cooperation: New Developments. **Asan Forum**. (February 8). (<http://www.theasanforum.org/russia-china-defense-cooperation-new-developments/>) (29 June 2019).
- Shirley A. Kan (2012). Guam: U.S. Defense Deployments. **Congressional Research Service (CRS) report RS22570** (Washington: CRS, October). ([www.fas.org/sgp/crs/row/RS22570.pdf](http://www.fas.org/sgp/crs/row/RS22570.pdf)) (14 December 2019).
- Smith, M.A. (2000). Russia and the Far Abroad 2000. **Camberley: CSRC, RMA Sandhurst**. December.
- Sputnik (2016 a). Russia Supports China's Stance on South China Sea. September 5, 2016. (<https://sputniknews.com/world/201609051044988523-russia-china-putin/>) (5 July 2019).
- Sputnik (2016 b). Will Russia and China Build an SCO-Based Joint Missile Defense System?. (July 20). (<https://sputniknews.com/military/201607201043363315-russia-china-joint-missile-defense>) (16 September 2019).
- Stockholm International Peace Research Institute, "SIPRI Arms Transfers Database," (February 2017). (<https://www.sipri.org/databases/armstransfers>) (24 May 2019).
- Summary of the 2018 National Defense Strategy of The United States of America: Sharpening the American Military's Competitive Edge, (<https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>) (20 September 2019)

- TASS News Agency (2019). Russia, China to sign agreement on payments in national currencies, says decree. (June 5). (<https://tass.com/economy/1061848>) (12 December 2019).
- Taylor, Fravel, M. (2015). China's New Military Strategy: 'Winning Informationized Local Wars. **China Brief**. June 23. ([http://www.jamestown.org/programs/chinabrief/single/?tx\\_ttnews%5Btt\\_news%5D=44072&cHash=c403ff4a87712ec43d2a11cf576f3ec1#.VjkKsq6rSRs](http://www.jamestown.org/programs/chinabrief/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=44072&cHash=c403ff4a87712ec43d2a11cf576f3ec1#.VjkKsq6rSRs)) (26 August 2019).
- Treaty of Good-Neighborliness and Friendly Cooperation Between the People's Republic of China and the Russian Federation. (2001). (<https://www.voltairenet.org/article173177.html>) (2 May 2020).
- Trenin, Dmitri (2019). China, Russia and the United States contest a new world order. **Carnegie Moscow Center**. (<https://www.eastasiaforum.org/2019/05/05/china-russia-and-the-united-states-contest-a-new-world-order/>)(15 January 2020).
- Walt, Stephen M. (1990). The Origins of Alliances. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Walt, Stephen M. (2014). No contest. **Foreign Policy**. (3 March). ([http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/03/03/no\\_contest\\_uk\\_raine\\_obama\\_putin](http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/03/03/no_contest_uk_raine_obama_putin)) (28 June 2019).
- Yan, Xuotong (2016). China-Russia 'Partnership' Opposes U.S. Strategic Pressure. **China Newsweek**. June 25. ([http://m.inewsweek.cn/news/news\\_3018](http://m.inewsweek.cn/news/news_3018)) (28 September 2019).

۱۶۰

پژوهش‌های  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی